



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 52, No. 1, Issue 104

سال پنجاه و دوم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۴

Spring & summer 2020

بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۷۲-۴۹

DOI: 10.22067/naqhs.v52i1.76415

گفتمان وجودگرایی در تفسیر قرآن و شرح روایات*

دکتر حمید حمیدیان

استادیار دانشگاه میبد

Email: hamidian.1392@yahoo.com

دکتر احمد زارع زردینی

استادیار دانشگاه میبد

Email: zarezardini@gmail.com

دکتر فخرالسادات علوی

استادیار دانشگاه میبد

Email: f.alavi64@gmail.com

مریم امینی^۱

دانشجوی دکتری دانشگاه میبد

Email: m.amini7366@gmail.com

چکیده

از مباحث تفسیرشناسی در روزگار کنونی، شناخت و ویژگی تفاسیر در اعصار مختلف است که با عناوینی همچون سبک، گرایش، مکتب و یا جریان تفسیری شناخته می‌شود. تفسیر پژوهان کنونی اذعان به تحول اساسی ایجاد شده در سبک تفسیر نویسی قرآن و شرح روایات در قرن اخیر دارند و از آن با عنوان کلی «تفسیر عصری» سخن می‌گویند؛ اما در توصیف این عنوان به کلیاتی بسنده نموده‌اند. پژوهش حاضر به ارائه گفتمان وجودگرایی به عنوان یکی از جریان‌های قدرتمند تفسیر متون دینی در عصر کنونی می‌پردازد. از این رو، پس از تعریف گفتمان و فلسفه وجودگرایی به شناخت و تحلیل گفتمان حاکم بر تفاسیر قرآن و شروح احادیث در عصر کنونی اشاره شده است و می‌توان زایش و بالندگی سبک یا گرایش وجودگرایی را در شرح متون اسلامی مشاهده نمود، شواهد این امر عبارت‌اند از: تحولات فهم آیات و روایات در عصر کنونی نسبت به گذشته، تحلیل موضوعات تفاسیر موضوعی نگاشته شده در عصر حاضر، گرایش به سمت تدبرگرایی در فهم متون دینی، تحول در روش‌های تبلیغ و ترویج آموزه‌های قرآن و حدیث و در نهایت تحول در موضوعات پرسش و پاسخ‌های دینی.

کلیدواژه‌ها: تفسیر پژوهی، تفسیر عصری، شرح حدیث، گفتمان، وجودگرایی، گرایش تفسیری وجودگرایانه.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۶.

۱. نویسنده مسئول

The discourse of existentialism in the interpretation of the Qur'an and the explanation of narrations

Dr. Hamid Hamidian

Assistant Professor at Meybod University

Dr. Ahmad Zare Zardini

Assistant Professor at Meybod University

Dr. Fakhr al-Sadat Alavi

Assistant Professor at Meybod University

Maryam Amini(Corresponding Author)

PhD student at Meybod University

Abstract

One of the topics of interpretation studies in the present era is identifying the characteristics of interpretations in different eras, which are known by titles such as style, trend, school or interpretive current. Current interpretation scholars acknowledge the fundamental change that has taken place in the style of interpreting the Qur'an and explaining narrations over the last century, describing it as "modern interpretation"; however, in describing this titles, they have sufficed to a set of generalities. This study presents the discourse of existentialism as one of the influential trends of religious texts' interpretation in the present era. Therefore, after defining the discourse and philosophy of existentialism, we attempt to recognize and explore the discourse governing the interpretations of the Qur'an and the explanations of hadiths in the present age. The revival and growth of existentialism style or tendencies is evident in the description of Islamic texts. The evidences include evolution in discovering verses and hadiths in this era compared to the past, analysis of the thematic interpretations composed in the present age, inclination towards contemplation in understanding religious texts, developments of the methods for propagating the teachings of the Qur'an and Hadith, and finally changing subjects raised in religious questions and answers.

Keywords: Interpretation Studies, Age-specific Interpretation, Hadith Explanation, Discourse, Existentialism, Existentialistic Interpretive Tendency.

مقدمه

از جمله زمینه‌های جدید مطالعات دین‌شناسی، بررسی تحولات فهم متون دینی است. اینکه گونه‌های مختلف این تحولات فهمی کدامند و این فهم‌ها به چه عللی تحول می‌یابند؟ و سؤالاتی از این دست می‌تواند زمینه گسترده چنین پژوهش‌هایی را نشان دهد. یکی از گونه‌های تحولات فهم متون دینی در سطح کلان، تحولاتی است که پیرامون گرایش‌ها یا سبک‌های تفسیرگویی و تفسیرنویسی رخ می‌دهد و باعث پیدایش، زوال، توسعه، تعمیق و یا تضییق کاربرد این گرایش‌ها می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت، یکی از علل تحولات فهم متون دینی در سطح کلان، در هر عصر و دوره‌ای به جهت گفتمان‌های حاکم بر آن دوره، مسائل و دشواری‌های فکری، فرهنگی و... است که سبب می‌شود متون دینی از زوایای مختلفی بازخوانی، فهم و شرح شوند. برای نمونه در دوره‌ای به جهت عمق و شدت مباحث کلامی، شرح متون دینی نیز به آن سمت می‌رفت. در دوره‌ای دیگر اهمیت علوم تجربی و مفهوم علم دانش تفسیر متون دینی را به سمت تفسیر علمی سوق می‌دهد. در دوره‌ای دیگر به جهت حکمرانی اخباری‌گری، دانش تفسیر در آن مسیر حرکت می‌کرد و امروزه که سبکی به نام تفسیر عصری شناخته می‌شود که چهره‌ای نو - متناسب با نیازهای روز - از متن نمایانده و حقیقتی جدید از آن عرضه می‌کند و مفسر با روشی نوپدید مسائل موردنیاز جامعه را با استفاده از متون دینی روشن کرده و به شبهات عصر خود پاسخ می‌دهد (ایازی، ۲۹).

در موضوع تفسیر عصری این سؤال مطرح است که این جریان تفسیری را چگونه می‌توان شناسایی، صورت‌بندی و ارائه نمود و آیا می‌توان تفسیر عصری را در بردارنده جریان‌های ریزتر دانست؟ به نظر می‌رسد پاسخ به سؤال اخیر، مثبت باشد یعنی تفسیر عصری خود در بردارنده چندین جریان کوچک‌تر است که یکی از آن‌ها گرایش وجودگرایی در فهم و شرح متون دینی است. در توضیح بیشتر باید گفت، بررسی تحولات فکری بشر در دو دهه گذشته نشان می‌دهد نوع دغدغه‌ها، مشکلات، مسائل و... بشر امروزی در جهان اسلام به‌ویژه در ایران معاصر به مسائلی اختصاص دارد که در مجموع و با اصطلاح فلسفی خودش به نام وجودگرایی^۱ شناخته می‌شود. به تبع تغییر فضای ذهنی انسان معاصر و دگرگونی ذائقه‌ها، دغدغه‌ها، مسائل و مشکلات او، شرح و فهم متون دینی نیز در پی آن و برای برآورده ساختن چنین نیازهایی، به همین سمت گرایش یافته است و بسیاری از تولیدات دینی در عصر کنونی به‌ویژه در ایران به

^۱ Existentialism.

این سبک گرایش پیدا کرده است. به گونه‌ای که می‌توان یکی از گفتمان‌های حاکم بر شرح متون دینی را وجودگرایانه دانست و در پی این مهم، می‌توان از ظهور و بروز سبک یا مکتب یا گرایشی خاص در تفسیر به نام سبک وجودگرا در تفسیر متون دینی سخن گفت. این مقاله بر آن است تا قالب‌های ارائه گفتمان وجودگرایی حاکم بر شرح و تفسیر متون دینی را معرفی، تحلیل و بررسی نماید تا بتواند زایش و بالندگی این گرایش تفسیری را نشان دهد.

گفتمان^۱

در ایران معاصر، اصطلاح گفتمان، یکی از پرکاربردترین اصطلاحات در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی است. گفتمان از نظر میشل فوکو^۲، مجموعه قواعد، الگوها و معیارهایی است که در یک محدوده زمانی و مکانی ویژه، خود را بر افرادی که در محدوده آن قرار دارند، بدون آن‌که خود آن افراد متوجه باشند، تحمیل می‌کند و انواع کنش‌های آن‌ها را، از آن‌رو که بر اساس قواعد و معیارهای آن گفتمان صورت می‌گیرند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (هارلند، ۱۵۴-۱۵۵). این بدان معناست که افرادی که در حوزه تسلط یک گفتمان قرار دارند، بر اساس آن قواعد رفتار می‌کنند، می‌فهمند، فکر می‌کنند و به طرح ایده می‌پردازند (دهقانی فارسانی و طباطبایی، مقاله بررسی تحولات در فهم روایات اسلامی بر پایه مفهوم گفتمان بررسی موردی روایت «انا قتیل العبره»، ۳-۴).

فوکو بیش از آن‌که بر نقش مؤلف و مفسر به‌عنوان فاعل شناسا^۳ در شکل‌دهی به متن و معنای آن تأکید کند، بر نقش قواعد حاکم بر صورت‌بندی، گزاره‌های موجود در دانش عصر حیات مؤلف تأکید می‌کند (ضمیران، ۲۶-۲۷). به بیان دیگر، نقش قواعد حاکم بر آن فرد که گفتمان بر او تحمیل می‌کند، از نقش خود فرد به‌عنوان فهم‌کننده، یا عرضه‌کننده یک ایده بیشتر است. به این ترتیب، اگر متون دینی را به‌عنوان پدیده‌ای که انسان با آن در ارتباط بوده و در صدد فهم آن برآمده است، در نظر بگیریم. این متن، در زمان خاص با گفتمان خاص حاکم بر آن زمانه و الگوهای مربوط به آن گفتمان، به یک صورت فهمیده شده است، این در حالی است که با گذشت زمان و تغییر و دگرگونی الگوها و معیارهای گفتمان، فهم آن متن دینی، متفاوت از فهم اولیه و مطابق با گفتمان جدید حاکم بر عصر جدید خواهد بود. اقوال ذکرشده،

^۱ Discourse.

^۲ Michel Foucault.

^۳ Subject.

خوانش شارحان در تعریف گفتمان از منظر فوکو است و در این بین چه بسا فهم اشتباه باعث درک‌های دوپهلوی در نظریه گفتمان فوکو می‌شود؛ زیرا فوکو تعریفی از گفتمان ارائه نداده و تشویش یادشده به همین دلیل است.

قواعدی که به صورت‌بندی و شکل‌گیری یک گفتمان کمک می‌کند عبارت‌اند از: الف) وحدت موضوع احکام. ب) وحدت شیوه بیان آن‌ها. ج) وحدت نظام مفاهیم آن‌ها. د) وحدت بنیان نظری آن‌ها. از نظر فوکو، وقتی میان موضوعات، شیوه و انواع احکام و مفاهیم و مبانی نظری آن‌ها نظم و همبستگی وجود داشته باشد، در آن صورت یک صورت‌بندی گفتمانی شکل می‌گیرد (دریفوس، ۲۱).

وجودگرایی

اگزیستانسیالیسم یا فلسفه وجودی یک فلسفه نیست، بلکه یک گروه فلسفه است گروهی که آن‌قدر انعطاف‌پذیر است که می‌تواند در اشکال بسیار متفاوتی چون الحاد سارتر، کاتولیک‌گرایی مارسل، پروتستان‌گرایی کی‌یرکگارد، یهودگرایی مارتین بوبر و ارتدوکس‌گرایی بردیائف ظاهر شود (مک کواری، ۳۴). به علاوه، اگزیستانسیالیسم یا وجودگرایی یک مکتب فکری و مجموعه‌ای از عقاید و آراء نیست، بلکه یک رهیافت یا رویکرد است (ملکیان، در رهگذر باد و نگهبان لاله، ۱/ ۲۴۷) که جلوه‌ها و بیان‌های گوناگونی در میان صاحب‌نظران مؤمن و ملحدش دارد. اگزیستانسیالیسم در همه صورش چنین حکم می‌کند که هر انسانی، فقط وقتی می‌تواند وجود انسانی اصیل خود را بشناسد که شخصاً به‌عنوان یک موجود مستقل گوشت و پوست و خون‌دار در ماجرای و مسئله‌ای درگیر شود، تصمیم بگیرد و انتخاب نماید نه این‌که مفاهیم کلی انتزاعی مربوط به انسان یا قوانین و قواعد کلی را تکرار و تلقین کند (باربور، ۱۴۷-۱۴۸). اگزیستانسیالیسم به دنبال این است که به‌جای بررسی‌های نظری و تئوریزه نمودن انسان، به تحقیق درباره یک انسان عادی و کاملاً عینی و تاریخی که در جهان زندگی می‌کند، بپردازد. در واقع این مکتب سعی می‌کند هستی وجود واقعی انسان را در ضمن ابهام ملموسش درک کند و در این تمرکز بر روی انسان، سعی دارد با استفاده از دلایلی که از واقعیت اتخاذ می‌کند، قدرت و استعداد انسان را بشناساند و او را بر این امر آگاه سازد که با توجه به امکانات فراوانی که در اختیار دارد، همواره می‌تواند بیش از آنچه هست، باشد (نوالی، ۲۱).

پس از جنگ جهانی دوم در غرب و به وجود آمدن جریان بدبینی به علم‌گرایی^۱، در میان انسان‌هایی که با وجود شعار آزادی، دریافته بودند هیچ کنترلی بر زندگی خود ندارند و دچار یأس و ناامیدی و پوچ‌گرایی شده بودند، فلسفه اگزیستانسیالیسم کوشید تا توجیهی کارآمد و مناسب با آن اوضاع و احوال ارائه دهد و راهی برای خروج یا کنار آمدن با این احساس پوچی ارائه دهد (جمادی، ۳۴۸-۳۴۹). این فلسفه با سورن کی‌یرکگارد (۱۸۱۳-۱۸۵۵) که پدر مکتب اگزیستانسیالیسم نامیده می‌شود، در انتقاد از فلسفه هگل آغاز گردید با این هدف که انسان بودن و هست بودن را به مردمی که آن را فراموش کرده‌اند از نو یاد دهد و آن‌ها را از این راه مسیحی‌گرداند (رک: ژان وال، ۱۱۷). اگزیستانسیالیست‌ها اصالت^۲ را امری فراتر از اخلاق می‌دانند. از این رو، کی‌یرکگارد از زندگی مذهبی، به‌عنوان آنچه فراتر از زندگی اخلاقی است، بحث می‌کند. نیچه نیز در کتاب فراتر از نیک و بد می‌گوید باید آنچه را در میان مردم به‌عنوان نیک و بد معروف شد به دور ریخت و همچون «ابرمرد» فراتر از این امور مرسوم، خود به دنبال مطلوب خود برآمد؛ اما پرسشی که پاسخ به آن، اگزیستانسیالیست‌ها را به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم می‌کند، در همین مسئله است که آیا آنچه فرد باید به دنبال آن باشد، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است یا حتی امکان دارد که فرد در این فرآیند جست‌وجوی اصالت‌مدار خود به دین نیز برسد. آن‌ها در این‌که آیا می‌توان اصالت خود را، در عین وفاداری به دین و مذهب حفظ کرد یا خیر، اختلاف نظر پیدا کردند. بدین ترتیب، راه آن‌ها از هم جدا شد و به‌طور کلی به دو گروه الهی (مسیحی) و الحادی تقسیم شدند که کی‌یرکگارد، یاسپرس، مارسل در زمره اگزیستانسیالیست‌های الهی و ژان پل سارتر، هایدگر در گروه فیلسوفان اگزیستانسیالیست الحادی قرار گرفتند (فولکیه، ۶۰؛ سارتر، ۲۰).

پیدایش این مکتب فلسفی در غرب بلافاصله در جهان اسلام تأثیر گذاشت و پس از آن جهان اسلام با تحصیل‌کردگانی مواجه شد که تحصیلات متفاوتی داشتند. به‌عنوان مثال دو نسل مهندس بازرگان و دکتر شریعتی علی‌رغم فاصله نزدیکی که با یکدیگر دارند، تحصیلات متفاوتی در غرب داشته‌اند. مهندس بازرگان در دوره قبل از جنگ جهانی دوم برای تحصیل به غرب می‌رود که فضای علوم تجربی در آن غالب است. ولی زمانی که دکتر شریعتی به غرب می‌رود، فضای اهمیت دادن به انسان و علوم انسانی است. لذا شریعتی زمانی که برمی‌گردد،

۱. ضد علم‌گرایی Anti Scientism .

۲. Outhenticity.

بیشتر به فکر نجات انسان است و سعی دارد به نحوی از تعالیم انسان و قرآن برای حل مسائل اجتماعی مردم استفاده کند (پاکتچی، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۲۲۹-۲۳۲). این بدین معناست که گفتمان و معیارها و الگوهای آن در هر دوره با دوره دیگر و در هر جامعه‌ای با جامعه دیگر متفاوت است. از طرف دیگر وقتی مسائل و دغدغه‌های جدیدی در جهان مطرح می‌شود، لازم است اندیشمندان اسلامی در مقام پاسخ‌گویی به این مسائل از منظر قرآن و احادیث برآیند. از این رو این مقاله درصدد است که نشان دهد بخشی از ادبیات تفسیری عصر ما با مباحث وجودگرایی شکل گرفته است و قالب‌های شکل‌گیری این بخش از ادبیات تفسیری را ارائه نماید.

لازم به ذکر است، در این مقاله تلاش بر این است که رویکرد وجودگرایانه به متون دینی بر اساس مشترکات مبانی نظری‌گرایی دینی اگزیستانسیالیسم، مورد توجه قرار گیرد؛ اما به‌طور کلی، در مورد موضوعاتی که در فلسفه اگزیستانسیالیسم مطرح است انسان، هسته مرکزی تفکر وجودگرایی است و پرداختن به انسان به‌عنوان فاعل شناسا، از اصلی‌ترین عناصر و موضوعات این فلسفه است. تفرد و تنهایی^۱، انتخاب، آزادی و مسئولیت^۲ از دیگر موضوعات و مسائل قابل توجه فلسفه وجودگرایی است چراکه این موضوعات بنیان وجود شخصی آدمی را می‌سازند. اعمال آزادی و توانایی شکل دادن به آینده است که انسان را از تمام کائنات متمایز می‌کند. از رهگذر تصمیم‌های آزاد و مسئول است که انسان به‌گونه‌ای اصیل، خودش می‌شود. دسته دیگر از مضامین تکراری در فلسفه وجودگرایی شامل عناصر تراژیک وجود آدمی از جمله تناهی و تقصیر و غربت و یأس، گزاف و بی‌معنا بودن جهان، اوضاع و موقعیت‌های مرزی^۳ مثل احساس نزدیکی به مرگ، گناه، ناامیدی، حالت اضطراب،

۱ یکی از خصوصیات اساسی وجود و مهم‌ترین ویژگی‌های انسان این است که وی شخص و فرد است؛ بدین معنا که موجود فقط «آن» نیست بلکه «من» است. اینکه در تعریف انسان گفته می‌شود که فردی از نوع واحد است یا یکی از افراد انسان است، در واقع فرد از بین می‌رود. «من» یک‌گونه از زده نیستیم، بلکه «من، من هستیم»؛ این جمله هستی فردی من را به‌عنوان موجودی نشان می‌دهد که به‌منزله این موجود (مشخص) و نه موجود دیگری برون می‌ایستد، این که من «من» هستم و لا غیر، از خصوصیات اصلی وجود انسانی است. (مک کواری، ۶۸).

۲ در وجودگرایی، بحث وجود به عالم انسانیت و بحث انسانیت به انتخاب و بحث انتخاب به مسئله آزادی می‌کشد؛ اما معنی آزادی حتی برای شخصی چون سارتر که به‌منظور تأمین آن، منکر وجود خداوند می‌شود، به معنای بی‌قیدوبندی نیست. بلکه آزادی با مسئولیت توأم است (سارتر، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ۲۶-۲۸).

۳ Boundary situations: موقعیت‌های مرزی از مهم‌ترین مسائل مورد بحث وجودگرایان است. از نظر آن‌ها همیشه اوضاع و احوال زندگی انسان به یک‌گونه نیست، بلکه گاهی اتفاق‌های خاصی پیش می‌آید و آدمی در آن عکس‌العمل‌هایی از خود نشان می‌دهد که در مواقع عادی از وی سر نمی‌زند. به همین دلیل این موقعیت‌ها سبب می‌شوند تا انسان از ابعاد نهفته درونی خویش اطلاع یافته و خود را بشناسد. وجودگرایان این موقعیت‌ها را موقعیت‌های مرزی می‌نامند. در واقع از نظر ایشان تفاوت موقعیت‌های مرزی با زندگی روزمره در آن است که در آن موقعیت‌ها،

رنج، ترس و... است. دلشوره، ملال و ناراحتی و دیگر عناصر عاطفی زندگی انسان نیز برای فلسفه وجودگرایی بی‌اهمیت نیست (رک: مک کواری، ۸-۱۰).

نیم‌نگاهی به جریان تاریخی رویکرد وجودی در تفسیر متون اسلامی

بررسی‌ها نشان می‌دهد اندیشه اصلاحی بر پژوهش‌های تفسیری در سه بعد تأثیر گذاشته است. از جمله می‌توان به اثرگذاری تفکر اصلاحی بر روش‌های تفسیری و اثرگذاری آن بر شیوه تفسیر نگاری و نیز تأثیر آن در گزینش موضوع‌های تفسیری اشاره کرد (هاشمی، ۳/۸) که رویکرد وجودی حاصل تأثیرگذاری اندیشه‌های اصلاحگران اجتماعی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و دیگران در قرن چهاردهم و پس‌از آن است و اشاره به این نکته ضروری است که رویکرد وجودی در تفسیر متون دینی در دوره معاصر در بسیاری از آثار تفسیری به چشم می‌خورد و اندیشمندان اسلامی خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر گفتمان وجودگرایی قرار گرفته و این امر در آثار ایشان مشهود است؛ زیرا در جهان امروز، مکتب اگزیستانسیالیسم و وجودگرایی، مباحث و موضوعاتی را مطرح نموده است که هر عالم دینی باید نسبت خودش را با این مباحث معین کند. در این راستا، اندیشمندان اسلامی را می‌توان در دو گروه تقسیم‌بندی نمود:

گروه اول آن دسته از اندیشمندانی که اگزیستانسیالیست نخوانده‌اند؛ اما به جهت گفتمان غالب بر عصر حاضر و انتظارات انسان امروز از دین و متون دینی در تفسیر آن، خود را ملزم به مطرح کردن مباحث وجودگرایی و پاسخگویی به آن‌ها از منظر قرآن و حدیث نموده‌اند که از جمله این افراد می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده، کواکبی، امام خمینی (ره)، طالقانی، مهدی بازرگان، علی صفایی حائری اشاره کرد.^۱

گروه دوم، مفسرین و اندیشمندانی که مکتب اگزیستانسیالیستی که در غرب مطرح است را مطالعه نموده‌اند و با شناخت و آگاهی از مباحث مکتب وجودگرایی به شرح و تفسیر متون

مرزهای انسان نسبت به سایرین برای خودش می‌شود و از این طریق خود را می‌شناسد. مرگ، ترس آگاهی، رنج، حالت اضطراب، احساس ناامیدی، احساس گناه از قسم‌های موقعیت‌های مرزی به شمار می‌آیند. (ملکیان، تاریخ فلسفه غرب، ۴/۴-۴/۸)

۱ برای اطلاعات بیشتر نک: خلیل زیاد محمد الدغامین، مقاله «تأثیر سید جمال بر رویکرد تفسیر در دوره معاصر»، ۱۶۵-۱۷۵ و همچنین در مورد سید جمال‌الدین و محمد عبده نک: عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ۱۱۳-۱۱۸ و ۱۲۸؛ تفسیر المنار، ۱/۱۱؛ در مورد کواکبی رک: مطهری، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ۴۳-۴۴؛ درباره امام خمینی از جهت وجه وجودگرایی در آثار تفسیری ایشان رک: طاهرزاده، سلوک ذیل شخصیت امام خمینی، ص ۶۱۹ و ۶۲۰؛ در مورد طالقانی نک: طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، ۳۰/۱ و ۱۳۱؛ در راستای مهدی بازرگان و وجودگرایی نک: بازرگان، «سیر اندیشه دینی معاصر»، ص ۷ و بازرگان، مقالات اجتماعی فنی، ۴۱۷؛ درباره رویکرد وجودی آثار صفایی حائری نک: روش برداشت از قرآن، ۳۸ و ۵۳.

دینی پرداخته‌اند که این دسته اندیشمندان نیز ممکن است اندیشه‌های متفاوتی با یکدیگر داشته باشند و نتوان آن‌ها را در یک عنوان جمع کرد. از جمله افراد این دسته عبارت‌اند از عبدالرحمن بدوی، انیس منصور، اقبال لاهوری، احمد فردید، علی شریعتی، مصطفی ملکیان، علامه محمدتقی جعفری^۱.

نگاهی توصیفی بر سبک جدیدی در شرح متون دینی

آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای در جامعه اسلامی ایران برخوردار است. به تعبیر دیگر، پژوهش کارآمد در این عرصه، درگرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و فهم متون دینی به‌عنوان اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ براین اساس، نیازها و دغدغه‌ها و مسائل ویژه عصر حاضر که در دل جریان وسیع تفسیر بروز یافته‌اند، سبب شکل‌گیری رویکردهای جدیدی در تفسیر متون دینی از جمله رویکرد وجودگرایی شده است.

با شکل‌گیری تفسیر وجودگرایی، در صورتی که این رویکرد در حجمی قابل‌توجه و به صورتی مستمر تداوم یابد «جریان تفسیر وجودگرایی» محقق می‌شود به‌گونه‌ای که می‌تواند در کنار دیگر جریان‌های تفسیری، جریانی مستقل قلمداد گردد. جریان^۲ از لحاظ لغوی، به معنای فرآیند، روند و روش است. خطوطی که طی آن یک حرکتی شکل می‌گیرد را جریان می‌گویند (پاکتنچی، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۲۴) برای تحقق جریان تفسیر وجودگرایی، دخالت عملی مفاهیم، اصول، قواعد، مبانی و روش وجودگرایی در تفسیر متون دینی کفایت می‌کند. این دخالت باید به‌طور متوالی یا دست‌کم متناوب تداوم یابد تا یک‌روند یا فرایند رخ بنماید. به‌طور طبیعی ممکن است چنین امری منجر به سامان یافتن «جریان» در معنای اصطلاحی آن یعنی بازتاب عملی و رفتاری یک نظریه و باب‌شدن آن در متن جامعه و فرهنگ (اسعدی، ۳۷۶) نیز بشود.

۱ برای اطلاعات بیشتر درباره عبدالرحمن بدوی و وجودگرایی نک: علیخانی، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، ج ۱۵؛ و درباره انیس منصور رک: منصور، اگزیتانسیالیسم غربی از نگاه دیگری، ص ۴۲-۴۳ و ۱۲۰ و ۱۲۴. درباره اقبال نک: اقبال لاهوری، احیای فکر دینی در اسلام، ۱۱۰. فردید، دیدار فرهی و فتوحات آخرالزمان، ۱۷-۲۶ و دیباج، آراء و عقاید سید احمد فردید، ۱۰-۱۲ و ۲۹. رضایی، کاربرد آیات قرآن در اندیشه دکتر شریعتی، ص ۱۳۹۷، ۲۳۷. ملکیان، رویکرد اگزیتانسیالیستی به نهج البلاغه، ص ۳۸ و جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۲۵۲/۱۸ و ۲۲۷/۱۴.

آنچه نشان می‌دهد که گفتمان وجودگرایی در دوره معاصر بر تفسیر متون دینی حاکم بوده و تفسیر وجودگرایانه از متون دینی صورت گرفته است، آثار بی‌شمار زیادی است که به‌طور کلی در دودسته قابل توجه و بررسی است:

دسته اول: کتب تفسیر قرآن و شرح حدیث

کتب تفسیر قرآن و نهج البلاغه از جهت پرداختن به مباحث وجودگرایی و عدم آن، به‌طور کلی از جنبه جریان‌شناسی تاریخی در دوره‌های متقدم، میانه و متأخر با عصر حاضر، تفاوت چشمگیری داشته‌اند.

۱. کتب تفسیر و شرح ترتیبی

با سیری در تفاسیر قرآن کریم در دوره‌های متقدم و میانه و متأخر، از قرن اول تا اوایل قرن سیزدهم، چنین استنباط می‌شود که در آیاتی که از موضوعات انسان و آزادی و اختیار و مسئولیت و سایر مباحث وجودگرایی که اشاره شد، سخن به میان آمده است، جز ظاهر آیه تفسیر نگردیده و بیش‌تر به معنای کلمات و نقش ترکیبی آن‌ها پرداخته شده است و هیچ اشاره‌ای به مباحث وجودگرایی نشده است؛ مانند آیه شریفه «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰) که خلیفه‌الله بودن انسان مطرح شده است، هیچ اشاره‌ای به مسئله ارزش و مقام انسان، نشده است و در تفاسیر قرون قبل مانند کتاب التسهیل لعلوم التنزیل (ابن جزی، ۱/ ۷۸)، مفاتیح الغیب (فخرالدین رازی، ۲/ ۳۸۳)، فتح القدر (شوکانی، ۱/ ۷۴) مباحثی از قبیل تجزیه و ترکیب آیه و نقش نحوی کلمات و معنای لغوی واژه خلیفه آورده شده است و تفسیر سورآبادی (سورآبادی، ۱/ ۵۱)، علاوه بر این‌ها، حدیثی در مورد این‌که آدم از خاک آفریده شده است، ذکر کرده است. این در حالی است که در تفاسیر معاصر از جمله تفسیر فی ظلال القرآن (سید بن قطب، ۱/ ۵۶)، المیزان (طباطبایی، ۱/ ۱۱۵)، پرتوی از قرآن (طالقانی، ۱/ ۱۱۳)، من هدی القرآن (مدرسی، ۱/ ۱۳۰)، کوثر (جعفری، کوثر، ۱/ ۱۲۲) و نور (قرائتی، ۱/ ۸۷) در تفسیر این آیه شریفه، از انسان و کرامت و ارزش وی سخن گفته‌اند.

هم‌چنین آیه شریفه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر: ۱۹) که در تفاسیر این دوره مانند تفسیر التبیان (طوسی، ۹/ ۵۷۱) و مجمع‌البیان (طبرسی، ۹/ ۳۹۸) و سایر تفاسیر این دوره خود فراموشی را تنها، محرومیت از حظوظشان از خیر و ثواب دانسته است. درحالی‌که در برخی تفاسیر معاصر از جمله تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۹/ ۲۱۹) و تفسیر انوار درخشان (حسینی همدانی، ۱۶/ ۲۷۶) نسیان پروردگار به معنای عدم توجه به عظمت کبریائی و غفلت از صفات کامل و از صفت ربوبیت خداوند که لازمه آن نسیان ذات و ذاتیات شخص است، تفسیر شده است. این بدین معناست که در تفاسیر معاصر به مفهوم اصلی خود فراموشی انسان توجه شده است که فراموشی ذات شخص همان نسیان انسانیت شخص است. تأکید اصلی در تفاسیر معاصر از آیه شریفه به بیش از محرومیت از ثواب و پاداش تعلق گرفته است که همان خود انسان است که هسته مرکزی تفکر وجودگرایی است.

در شرح نهج‌البلاغه نیز در تفسیر خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌هایی که از موضوعاتی چون اختیار، آزادی، مرگ، انتخاب و سایر مباحث وجودگرایی سخن به میان آمده است، می‌توان گفت در شروح نوشته‌شده در دوره‌های متقدمان، عملاً تفسیری از مباحث وجودگرایی به چشم نمی‌خورد. این درحالی است که در برخی شروح دوره معاصر نهج‌البلاغه، این مباحث نسبت به قبل، پررنگ‌تر شده و به تفسیر آن‌ها پرداخته شده است. به‌عنوان مثال، خطبه «...إِنَّ الْمَوْتَ طَالِبٌ حَيْثُ لَا يَفُوتُهُ الْمُتَمِيمُ وَلَا يَعْجِزُهُ الْهَارِبُ إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مَيْتَةٍ عَلَيَّ الْفِرَاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَ مِنْهُ وَ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْكُمْ تَكْشُونَ كَشْيَشَ الضَّبَابِ لَا تَأْخُذُونَ حَقًّا وَ لَا تَمْنَعُونَ ضَيْمًا قَدْ خَلَيْتُمْ وَ الطَّرِيقَ فَالْجَاهُ لِلْمُقْتَحِمِ وَ الْهَلَكَةُ لِلْمُتَلَوِّمِ» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۲۳) که در مورد مرگ و آزادی و انتخاب راه انسان است، می‌بینیم که شروح دوره معاصر مانند شرح علامه جعفری مسئله مرگ را به‌عنوان لحظه به خود آمدن انسان و آگاهی وی از موجودیت و سرنوشت (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ۲۲/ ۴۵) خود تفسیر می‌کند. همان‌که در ادبیات آگزیستانسیالیستی، از آن به موقعیت مرزی تعبیر می‌کنند. موقعیتی که انسان به دلیل برخورد با اتفاقی غیر روزمره مانند مرگ عکس‌العملی نشان می‌دهد که در مواقع عادی آن را از خود نشان نمی‌دهد و این موقعیت‌ها سبب می‌شوند تا انسان از ابعاد نهفته درونی خویش اطلاع یافته و خود را بهتر بشناسد؛ اما در شروح دوره‌های قبل مانند شرح ابن ابی الحدید (ابن ابی الحدید، ۷/ ۳۰۴) و

شرح ابن میثم (ابن میثم، ۳/ ۱۲۳) اشاره‌ای به این مسائل نشده است. مثال دیگر: «عَضُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...» (خطبه/۱۹۳) در شرح این عبارت از خطبه متقین که امام علی (ع) ویژگی‌های متقین را بیان می‌کند، مصطفی ملکیان تکیه بر خود و توجه به خود را مطرح می‌نماید. به عبارت دیگر متقین کسانی هستند که به ویژگی‌های وجود خود و سود و زیان خود بیش از دیگران اهمیت می‌دهند. به این صورت که «غض بصر» غیر از بستن چشم است. اینکه گفته‌اند به نامحرم نگاه نکنید به این دلیل نیست که به نامحرم آسیب می‌رسانیم، نه بلکه به خودمان آسیب می‌رسانیم. در مورد حجاب هم همین است. انسان اگر سود یا زیان می‌بیند، از ناحیه اعمال خودش است. نفع‌ها و ضررها از ناحیه خود اعمال اختیاری ماست، نه آنچه در اختیار ما نیست؛ بنابراین، اینکه حضرت تأکید می‌کنند که «از آنچه خداوند بر آن‌ها حرام کرده، چشم را فرومی‌بندند» این‌ها دقیقاً بر خود منت می‌گذارند نه بر دیگران (رک: ملکیان، رویکرد وجودی به نهج البلاغه، ۳۰۷-۳۰۸). این درحالی است که در شروح گذشته مانند شرح ابن میثم تنها نکته‌ای که در شرح این عبارت علاوه بر معنای لغوی بیان شده، این است که غض بصر نتیجه عفت نفس و خویش‌داری دانسته شده است (۳/ ۷۵۴).

«لَا يَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَلَا تَفَرُّقُهُمْ عَنِّي وَحِشَّةً» (نامه/۳۶) علامه جعفری در شرح این عبارت از نامه امام (ع) به برادرش عقیل، اشاره به بحث تنهایی انسان و درک خود و من واقعی انسان می‌کند و به عبارتی شرح وجودگرایانه ارائه می‌دهد که اگر انسان به خود واقعی‌اش پی ببرد و نسبت به خودآگاهی یابد، از دیگران بی‌نیاز می‌گردد. «این است قاعده کلی روح آدمی که اگر روزی بتواند در تنهایی با تمام ابعاد آگاهی که دارد، در خود بنگرد و واقعاً خود را درک و دریافت نماید، محال است که او خود را نیازمند جمع ببیند. او خواهد فهمید که او به تنهایی جان جهان است و عالم اکبری است که در مشتی گوشت و استخوان و رگ و خون مخفی شده است. آیا پس از غوطه‌ور شدن در دریا، دویدن به دنبال قطره‌ها معنایی دارد.» (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۹/ ۱۶۲). این امر زمانی روشن‌تر می‌گردد که تأملی در شرح این عبارت از شروح دیگری مانند شرح نهج البلاغه ابن میثم صورت گیرد. به این صورت که ابن میثم در شرح این فراز از نامه اشاره به ویژگی شجاعت حضرت علی (ع) نموده و از تنهایی انسان و شاخصه‌های وجودی سخنی به میان نیاورده است. «شجاعت خود را که نه انبوه مردم پیرامونش باوجود آن شجاعت، باعث زیادی عزت و نه پراکنده شدن آن‌ها موجب ترس و وحشت او خواهد شد و باوجود چنان شجاعتی، جایی برای ترس، ناتوانی و

تسلیم به دشمن نمی‌ماند». (ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ۷/ ۷۹).

۲. کتب تفسیر و شرح موضوعی

علاوه بر تفاسیر و شروح ترتیبی، تفاسیر موضوعی که در قرن حاضر تدوین شده است نیز از جهت پرداختن به مباحث وجودگرایی قابل توجه است. در بیش تر موارد، موضوعات انتخابی مفسران در این کتاب‌ها انسان، کمال انسان، انسان‌شناسی، عالم مرگ، معنای زندگی، آزادی و حریت و این قبیل مباحث وجودگرایی است. برای نمونه کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم در ضمن مباحث خود عناوین وجودگرایانه‌ای از این قبیل را مورد توجه قرار داده است: عمل در پهنه قیامت، عمل تعیین‌کننده نحوه پیوند انسان با خارج؛ تأثیر عمل صالح، حیات و مرگ از ادله توحید، انسان از نظر قرآن، عمل از عامل هرگز جدا نیست، مفهوم حیات و مرگ در قرآن. از دیگر تفاسیر موضوعی می‌توان به تفسیر موضوعی قرآن کریم مکارم شیرازی، درس‌هایی از نهج البلاغه منتظری، تفسیر موضوعی قرآن مجید: صورت و سیرت انسان در قرآن جوادی آملی؛ تفسیر موضوعی (۲): آموزه‌هایی از انسان‌شناسی و هدف خلقت در قرآن کریم دژ آباد؛ تفسیر موضوعی نهج البلاغه فیضی اشاره کرد.

بررسی فهم‌ها و برداشت‌ها از متون دینی در دوره‌های پیشین و مقایسه آن با عصر حاضر به وضوح، نشان می‌دهد که در فهم‌های ارائه شده از متون دینی تحول صورت گرفته است و مباحث و موضوعات مطرح در فلسفه وجودگرایی، نقش برجسته‌ای در فهم متون دینی پیدا کرده است. چراکه در عصر حاضر، از یک جنبه، گفتمان حاکم بر شرح و تفسیر متون دینی اغلب رنگ و لعاب وجودگرایانه داشته است. از این طریق، می‌توان گفت ایران معاصر شاهد شکل‌گیری گفتمان وجودگرایی در شرح متون دینی است.

دسته دوم: سایر آثار

دسته دوم، آثاری که در قالب کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات و همچنین کارهای ادبی هنری در قالب ترویج دین اعم از فیلم کوتاه، داستان کوتاه و... و نیز پاسخ‌های علمای دین به شبهات و پرسش‌های وجودی افراد به‌ویژه جوانان تبیین و تدوین گردیده است. آماری که در این راستا می‌توان ارائه داد این است که در ایران بیش از هزار عنوان اثر^۱

۱ تمامی بررسی‌های آماری ارائه شده در این مقاله، پس از جستجو در کتابخانه ملی، کتابخانه‌های عمومی کشور، کتابخانه دانشگاه یزد، کتابخانه اخوان دستمالچی یزد، سایت اینترنتی علم نت، سایت اینترنتی ایران داک، پایگاه جستجوی سیمغ simorgh.nosa.com و سایر سایت‌های اینترنتی مرتبط و «کتاب‌نامه بزرگ قرآن کریم» در چندین جلد نوشته محمدحسن بکایی، کتاب‌های «پایان‌نامه‌های قرآنی»، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۳۵، «چکیده پایان‌نامه‌های قرآنی کارشناسی ارشد و دکترا»، جعفر نکونام، تهران: مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، ۱۳۷۷، «چکیده پایان‌نامه‌های علوم قرآنی» نوشته طاهر حدیثی و ... به دست آمده است.

در زمینه شرح و تفسیر و توضیح متون دینی قرآن و نهج البلاغه در مباحث وجودگرایی به عرصه تدوین و ظهور رسیده است که می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. کتاب‌ها:

تحلیل این آمار نشان می‌دهد که بیش از سیصد و پنجاه عنوان کتاب در موضوعات وجودگرایی از متون دینی به نگارش درآمده است. این کتاب‌ها موضوعاتی از قبیل انسان^۱ و آزادی^۲ (جلد ۱۱۰) انسان در اسلام و انسان در قرآن و بیش از (۸۰ جلد) با موضوع اختیار و حدود (۳۰ عنوان) کتاب در مورد مرگ^۳ حقایقی از مرگ و زندگی در قرآن کریم، نهج البلاغه و سخنان بزرگان و بیش از (۷۰ جلد) در موضوع معنای زندگی^۴ انسان و معنای زندگی و اضطراب و امید^۵ امید در قرآن و نقش آن در تکامل انسان و عوامل اضطراب و آرامش در آینه قرآن و احادیث و ترس^۶ ترس علل و درمان آن از دیدگاه قرآن و روانشناسی را در قرآن و نهج البلاغه و سایر روایات معصومین (ع) به صورت تک‌نگاشته موضوعی و به‌عنوان تفسیر متون دینی مورد بررسی و شرح قرار داده است.

۲. پایان‌نامه‌ها و مقالات:

پس از تحلیل یافته‌ها، می‌توان گفت که بیش از پانصد اثر پژوهشی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری و مقالات در مباحث و موضوعات وجودگرایی که به‌نوعی شرح متون دینی محسوب می‌شوند، در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و مؤسسات پژوهشی نگاشته شده است. در اینجا افزون بر ذکر اطلاعات آماری، نمونه‌هایی نیز آورده شده است.

انسان: آنچه در این راستا می‌توان گفت این است که در حدود بیش از صد عنوان پایان‌نامه و مقاله در موضوع انسان و شناخت انسان در متون دینی از جنبه‌های گوناگون وجودی نوشته شده است. «انسان کامل از منظر نهج البلاغه^۱»، «بررسی جایگاه و منزلت انسان در قرآن و حدیث^۲»، «بررسی کرامت انسان در قرآن^۳»، «مقاله شناخت انسان در نهج البلاغه^۴»، «انسان کامل در نهج البلاغه^۵» نمونه‌های معدودی از تعداد بی‌شمار این آثار پژوهشی است.

۱ ناصری، قدرت، دانشگاه ملایر، شهریور ۹۳.

۲ پاک‌سرشت، حسین، دانشگاه آزاد، ۷۷.

۳ بکعلی پور، سمانه

۴ دلشاد تهرانی، مصطفی، النهج، پاییز ۹۱، شماره ۹۵.

۵ بسیج، احمدرضا، پژوهش‌های اخلاقی، پاییز ۸۹، شماره ۱.

آزادی و مسئولیت: در موضوع اختیار و آزادی و مسئولیت قریب به صد و ده پژوهش در قالب پایان‌نامه و مقاله تدوین شده است. از جمله: «آزادی در قرآن و حدیث از منظر اهل سنت^۱»، «نگرش انبیاء به مقوله آزادی از منظر قرآن^۲»، «تلازم آزادی و اختیار با شرافت و کرامت ذاتی انسان از نظر قرآن و سنت^۳»، «تعهد و مسئولیت‌پذیری انسان از دیدگاه قرآن^۴»، «مسئولیت‌پذیری انسان و ابعاد آن از دیدگاه قرآن و احادیث^۵».

موقعیت‌های مرزی (مرگ، اضطراب، ترس): نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی که با موضوع مرگ انجام گرفته است و آمارشان به بیش از شصت عنوان می‌رسد، عبارت‌اند از: «بررسی تطبیقی مرگ‌اندیشی و مرگ در نهج‌البلاغه و کتاب مقدس^۶»، «حقیقت مرگ و آثار آن با تکیه بر کلام امیرالمؤمنین^۷»، «تأملی در حقیقت انسان و مرگ^۸».

شصت و پنج اثر پژوهشی در موضوع اضطراب و آرامش نگاشته شده است. از جمله: «اضطراب، ریشه و درمان آن در قرآن^۹»، «عوامل آرامش و اضطراب از دیدگاه قرآن و سنت^{۱۰}»، «اضطراب از دیدگاه منابع اسلامی^{۱۱}»، «راه و رسم نیل به طمأنینه و آرامش روانی از دیدگاه قرآن و حدیث^{۱۲}» و همچنین بیست پژوهش با موضوع ترس به رشته تحریر درآمده است. از جمله آن‌ها می‌توان به «رویکرد قرآن به مقوله ترس^{۱۳}» و «گونه شناسی ترس از منظر قرآن کریم^{۱۴}» اشاره کرد.

معناداری زندگی: بیش از سی اثر پژوهشی اعم از پایان‌نامه و مقاله در موضوع معناداری زندگی و پوچ‌گرایی مانند «معنای زندگی و کارکردهای آن در سیره و سخنان ائمه معصومین (علیهم‌السلام)^{۱۵}»، «معناداری زندگی از دیدگاه قرآن^{۱۶}»، «معنای زندگی در نهج‌البلاغه^{۱۷}» و

۱ حسینی، محمد، ۱۳۸۳.

۲ قادری، فاطمه، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۲.

۳ ملکی، یدالله، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، پاییز ۹۴، ش ۱۹.

۴ سرگزی، طاهره، حوزه علمیه زاهدان.

۵ عارفی فر، منصور.

۶ بابا مهد انصاری، سمیرا.

۷ خسروی، محدثه، ۱۳۹۲.

۸ شریفی، علی، جامعه المصطفی، ۱۳۸۴.

۹ علوی، جعفر، تربیت مدرس، ۱۳۸۰.

۱۰ مبلغ، محمدامین.

۱۱ فعال مسکین، فاطمه، ۱۳۹۱.

۱۲ نصراللهی، افسانه.

۱۳ حسن‌زاده، مهری، الزهرا ۱۳۹۱.

۱۴ معماری، داوود؛ رسول زمردی، سراج منیر، بهار ۹۲، ش ۱۰.

۱۵ قاضی زاهدی، عاطفه.

۱۶ مسیبی، مریم.

حدود پانزده پژوهش در موضوع درد و رنج انسان معاصر از جمله «بررسی تطبیقی موضوع رنج از منظر قرآن و روایات و علم روانشناسی»^۲، «رابطه رنج با معناداری زندگی از دیدگاه قرآن و روایات»^۳ صورت گرفته است.

تفرد و تنهایی: بیست اثر با موضوع تنهایی و تفرد انسان و فردگرایی یا جمع‌گرایی انسان تدوین گردیده است؛ مانند «نقش فرد در ساختارهای اجتماعی از دیدگاه قرآن (با تأکید بر تفسیر المیزان و تسنیم)»^۴، «فردگرایی و جمع‌گرایی در اسلام»^۵، «فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری»^۶.

همه این آثار پژوهشی در دوره معاصر که در متون دینی ما از جمله قرآن کریم و نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه انجام شده است، باهدف شرح و تفسیر متون دینی به رشته نگارش درآمده است و نشان از این مهم دارد که تحولی در شرح و تفسیر متون دینی از جنبه رویکردهای تفسیری صورت گرفته است که تمرکز بر روی موضوعات این آثار و پژوهش‌ها، دلالت بر شکل‌گیری گفتمان وجودگرایی در این عصر نسبت به شرح متون دینی دارد.

پیدایش سبک‌های تدبری در ارتباط با متون دینی به‌جای تفسیر

برخی از پژوهشگران برآنند که رواج الگوهای تدبر در قرآن نیز از فردگرایی بشر در قرن اخیر که یکی از مباحث مهم وجودگرایی است، برخاسته است. در این رابطه، احمد پاکتچی درباره فردگرایی می‌گوید: «البته اینجا فردگرایی لجام‌گسیخته منظور نیست. اینکه در طول ۱۰۰ سال اخیر مسئله تدبر اهمیت پیدا کرده، به این خاطر است که فردگرایی رواج یافته است. در زمان قدیم عده‌ای مفسر بودند که تفسیر می‌کردند و بقیه مردم در پای یک موعظه می‌نشستند الآن مسئله تغییر کرده و افراد به دنبال ادراک فردی هستند و احاله به ادراک دیگری در جامعه امروز جایی ندارد. این‌گونه است که پدیده کاربردی سازی روی می‌دهد»^۷. منشأ اصلی به وجود آمدن سبک‌های تدبری در فهم متون دینی، این بود که دیگر لازم نیست یک نفر به‌جای همه فکر کند و افکارش را در کتابی بنویسد تا دیگران از افکار او استفاده کنند، بلکه باید

۱ سلامت، شیوا؛ دانشکده علوم حدیث

۲ طاهری نژاد، محمدعلی.

۳ یوسفی نصرآباد سلفی، زینب.

۴ میر تاج‌الدینی، زهرا سادات، ۱۳۸۹.

۵ سبحانی، بهمن، کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و اجتماعی، ۹۳.

۶ اعظم آزاده، منصوره، توکلی، عاطفه، مطالعات فرهنگی ارتباطات، شماره ۹.

۷ پاکتچی، خبرگزاری کتاب ایران، <http://www.ibna.ir/fa/doc/report/261619>

شرایطی پیش بیاید که مخاطب هم درگیر فکر کردن و فهمیدن در مورد قرآن شود. طیف تفاسیر قرن بیستم به دنبال نیازها و خواسته‌های مخاطب خودشان در حوزه تفسیر قرآن هستند (پاکتچی، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۲۹۶)

کارهای ادبی هنری در راستای ترویج دین:

یکی دیگر از کارهایی که در حکم ترویج دین انجام پذیرفته است، گفتارهای تمثیلی، داستان‌ها و فیلم‌های کوتاهی است که به جهت توضیح و شرح متون دینی مسلمانان برای اقشار مختلف مردم ساخته شده است؛ زیرا به منظور تفهیم دین و کاربردی و عملی کردن آن در زندگی انسان امروز تأثیر انکارناپذیری دارد. مرگ و زندگی انسان‌ها، تکامل انسان‌ها، اختیار، اضطراب، اندوه، درد و رنج، آرزو، ترس، خودآگاهی از جمله موضوعاتی هستند که در قالب گفتارهای تمثیلی^۱، داستان و یا فیلم کوتاه (کلپ) معارف متون دینی را مورد شرح و تفسیر قرار داده‌اند.^۲ لازم به ذکر است که این سبک از بیان اندیشه‌ها نیز روشی است که امروزه وجودگرایان بسیار از آن برای تبیین اندیشه‌هایشان استفاده می‌کنند و روش آن‌ها در رساندن پیام‌ها و آراء و نظرات خویش غالباً بر اساس داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی است (ملکیان، تاریخ فلسفه غرب، ۵۰ / ۴). از دیدگاه تحلیل وجودی، ادبیات داستانی بهترین عرصه برای بیان وضعیت حیات بشری است (همتی، ۱۶۱).

نمونه قرآنی: تفسیر آیه شریفه: ایاک نعبد و ایاک نستعین

مفسر در تفسیر آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین، اخلاص در عبادت را به شیر خالص یا ناخالص تشبیه نموده که شیر را اگر با آب درهم آمیزیم حجم آن زیاد خواهد شد اما بی‌مزه می‌شود و دیگر نه آن رنگ را دارد و نه آن طعم و نه آن غلظت و سنگینی و نه آن ارزش را. عبادت هم همین‌طور است. وقتی مزه می‌دهد و ارزش دارد که خالص باشد یا فقط به خاطر خدا باشد. یا از این تمثیل استفاده کرده که انسان باید اخلاص را از گل‌ها با عطرافشانی و بخشیدن زیبایی در هر جا و هر محیطی که باشند و نظاره‌گر آن‌ها هرکس که باشد، تفاوتی در شکوفایی و زیبایی آن‌ها ندارد، بیاموزد. عبادت نیز کار با اخلاص کردن است نه به جهت جلب اعتماد دیگران و یا متواضع به نظر رسیدن در نگاه دیگران و خوشایند آن‌ها رفتار نمودن. تمثیل سومی در تفسیر این آیه به کار می‌برد به این صورت که پول‌دارها همیشه از هر چیزی

۱ رنجبر، (۱۳۹۶) تفسیر تمثیلی بوی گل. ۴ جلد.
۲ بسیاری از فیلم‌های کوتاه در آپارات و اینستاگرام موجود است.

خالص آن را می‌خواهند یعنی پول خوب می‌دهند جنس خوب را هم می‌خرند. شما هیچ‌وقت دیده‌ای که کسی با ماشین آخرین مدل خود کنار یک میوه‌فروشی پارک کند و وارد مغازه شده و میوه‌های درهم را از دم در برداشته و در پاکت بریزد؟ خدا هم که در همین سوره حمد خواندی و شنیدی که مالک است و اصلاً از او دارا تر کسی نیست، پس او هم عبادت ناب و خالص را می‌خواهد البته حق هم دارد چون پاداش خوبی هم می‌دهد^۱. در تفسیر این آیه به جهت تفهیم بهتر آن و جاری کردن این آیه در زندگی انسان از تمثیل‌هایی که بسیار قریب به ذهن بوده، به نحوی هنری استفاده شده است که این سبک بیان روشی است که وجودگرایان در بیان اندیشه‌هایشان از آن استفاده کرده‌اند چنانکه غالب اندیشه‌های وجودگرایی در قالب رمان و نمایشنامه و کارهای هنری و ادبی بیان گردیده است.

نمونه حدیثی: مثل چای قندپهلو

در دوره معاصر در تفسیر و شرح احادیث نیز از فنون ادبی و هنری بهره گرفته شده است که این امر در فهم حدیث بسیار یاریگر است. به‌عنوان مثال در شرح حدیث امام علی (ع) «لِکُلِّ هَمٍّ فَرَجٌ»؛ برای هر غصه‌ای، شادی است، به داستان تمثیلی چایی و قند در هیئت‌های عزاداری اشاره شده است و دنیا به‌عنوان هیئتی دانسته شده که خداوند مسئول آن است «توی هیئت‌های خیلی بزرگ حتماً دیدی که یک نفر سینی به دست است و فقط چای می‌دهد و خیلی طول نمی‌کشد که دیگری با ظرفی پر از قند از راه می‌رسد. حالا بچه‌ها که با هیئت آشنا نیستند تا چای آمد، از قند می‌پرسند اما بزرگ‌ترها چون ماجرا را خوب می‌دانند آرام و صبورند و از بچه‌ها می‌خواهند که صبوری کنند. حال یادمان باشد: دنیا هیئت خداست و غم‌ها، غصه‌ها، ناگواری‌ها و تلخی‌ها چیزی شبیه چای تلخ است و از آن‌طرف راحتی‌ها و شادی‌ها و شیرینی‌ها همانند قند است. پس اگر در زندگی غم و غصه‌ای سراغت آمد، مبادا بی‌تابی کنی، مبادا بی‌قراری کنی. آرام باش چون دیر یا زود قند شادی در راه است. این سخن امام علی (ع) است که فرمود: «لِکُلِّ هَمٍّ فَرَجٌ»؛ برای هر غصه‌ای، شادی است^۲» وجه وجودی این نمونه آن است که درد و رنج یکی از مباحث مورد توجه وجودگرایان به‌عنوان موقعیت‌های مرزی محسوب می‌شود. انسان تا زمانی که در بطن رنج و غم قرار نگرفته باشد، نمی‌تواند عکس‌العمل واقعی خود را بداند و قدرت تحمل خود را بسنجد اما در این موقعیت‌ها به راحتی ابعاد نهفته انسان برایش آشکار می‌گردد.

۱ شکوری، ابوالقاسم، باران حکمت (مجموعه مباحث تفسیر تمثیلی استاد حجت‌الاسلام رنجبر)، شبکه تخصصی قرآن تبیان
۲ رنجبر، مثل شاخه‌های گیلاس، ۲۴.

موضوعات پرسش و پاسخ‌های دینی

نوع دیگری از تلاش‌ها و آثار اسلامی که نشان‌دهنده شکل‌گیری رویکرد وجودگرایانه در تفسیر متون دینی است، این‌که چه بسیار پرسش‌هایی که در این موضوعات و مباحث از علمای دینی پرسیده شده و از طرف ایشان پاسخ‌داده‌شده که هر یک از این پرسش و پاسخ‌ها را می‌توان نوعی تفسیر جزئی از متون دینی محسوب کرد. غالب این پرسش‌ها در مورد انسان و آزادی و انتخاب و مرگ اوست.

نمونه‌های متعددی از این پرسش و پاسخ‌ها در کتاب‌هایی که با عنوان پرسش و پاسخ‌های دینی منتشر شده‌اند^۱ و همچنین سایت‌های اینترنتی مرتبط^۲ قابل دسترسی است. به‌عنوان نمونه به یک پرسش اشاره می‌شود که حقیقت مرگ را از نگاه قرآن مورد سؤال قرار داده است. در پاسخ به این پرسش گفته شده است «مرگ عصاره زندگی انسان است. مسئله مرگ در فرهنگ انبیای الهی به معنای مردن انسان نیست؛ بلکه مرگ به معنی میراندن مرگ است که بین این دو مسئله فرق بسیار است. انبیا به ما آموخته‌اند که انسان مرگ را می‌میراند و آن را تسلیم خود می‌کند. قرآن کریم خطاب به انسان می‌فرماید: «كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء/۳۵) انسان مرگ را می‌چشد. مرگ به معنی تحول و تغییر است و انسان تغییر، تحول و دگرگونی را می‌چشد و آن را محو می‌کند و خود به ثبات می‌رسد. سپس به تفاوت این نگاه با نگاهی که مرگ را جز نابودی نمی‌داند، پرداخته است. اشاره می‌کند که بزرگان ما آن‌چنان بر مرگ مسلط هستند که می‌گویند: ای مرگ! اگر نمرده‌ای، مرا دریاب؛ مبارز می‌طلبند. یک پهلوان جهانی برای مبارزه، جهان‌پهلوان می‌طلبند. این مرگ کجاست که من او را از پای درآورم. ای مرگ اگر نمرده‌ای مرا دریاب. چون من می‌خواهم از این زندان آزاد بشوم. (مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک/ چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم)^۳ من می‌خواهم از این زندان بیرون بیایم؛ پس ما با این انگیزه و این جهان‌بینی همراه هستیم.^۴»

شکل‌گیری و انتشار چنین آثاری به تعداد قابل توجه نشان می‌دهد که در دوره معاصر نیازهای مردم به دین و متون دینی، با توجه به دغدغه‌ها و گرفتاری‌های آن‌ها، همه، نوعی رنگ

۱ ازجمله: کتاب نسیم اندیشه در سه جلد: تألیف آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۹۱؛ کتاب باورها و پرسش‌ها، مهدی هادوی تهرانی، موسسه خانه خرد، قم، ۱۳۸۲؛ کتاب عقل و ایمان: محمدرضا کاشفی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کتاب پاسخ و پرسش دینی با نسل نو، غلامرضا حیدری ابهری و کتاب‌هایی از این قبیل.

۲ مانند مرکز ملی پاسخگویی (www.pasokhgoo.ir)، اسلام کوئست نت، ایکس شبیه و ...

۳ منسوب به مولوی.

۴ نسیم اندیشه دفتر اول - صص ۱۷۴-۱۷۷

و بوی وجودگرایانه داشته است. هم‌چنین، با توجه به این آثار و پژوهش‌های بی‌شمار می‌توان گفت که گفتمان حاکم در تفسیر و شرح متون دینی در عصر حاضر رویکرد وجودگرایی دارد.

جدول ۱: آمار گفتمان وجودگرایی در آثار اسلامی در ایران معاصر

ردیف	عناوین آثار	تعداد	
۱	تفاسیر ترتیبی	قرن ۱۴ و ۱۵	
	تفاسیر موضوعی		
۲	انسان	۱۱۰	
	اختیار و آزادی	۸۰	
	مسئولیت	۳۰	
	مرگ	۳۰	
	معنای زندگی، امید، ترس، اضطراب	۷۰	
	انسان	۱۰۰	
	آزادی و مسئولیت	۱۱۰	
	مرگ	۶۰	
	موقعیت‌های مرزی	اضطراب و آرامش	۶۵
		ترس	۲۰
		معناداری زندگی	۳۰
	تفرد و تنهایی	۲۰	
	۳- پیدایش سبک‌های تدبیری در ارتباط با متون دینی به‌جای تفسیر	—	
	۴- کارهای ادبی هنری	با حجم بالا	
	۵- پاسخ علمای دین به پرسش‌های وجودی	به تعداد زیاد	
۳	جمع کل	بیش از هزار عدد	

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست می‌آید این است که گفتمان وجودگرایی در شرح و تفسیر متون دینی می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد تفسیری در کنار سایر رویکردهای تفسیر

نسبت به متون دینی ما قرار گیرد. آنچه نشان می‌دهد که این گفتمان در دوره معاصر بر تفسیر متون دینی حاکم بوده و تفسیر وجودگرایانه از متون دینی صورت گرفته است، علاوه بر تفاوت در فهم‌های تفسیری از آیات و روایات، به عرصه تدوین و ظهور رسیدن بیش از هزار عنوان اثر در زمینه شرح و تفسیر و توضیح متون دینی قرآن و نهج‌البلاغه در مباحث وجودگرایی است. آثار نشان‌دهنده شکل‌گیری گفتمان وجودگرایی در دوره معاصر به دو دسته تقسیم می‌شود که دسته اول به تفاسیر و شروح قرآن و نهج‌البلاغه اختصاص دارد و در دو روش تربیتی و موضوعی در دسترس است و دسته دوم شامل سایر آثاری می‌شود که به‌نوعی به شرح متون دینی پرداخته‌اند. این آثار در قالب‌های کتاب، پایان‌نامه و مقالات، سبک‌های تدبیری، کارهای ادبی هنری در راستای ترویج دین و پاسخ‌های علمای دین به پرسش‌های وجودی ارائه گردیده است. لازم به ذکر است همه این آثار در موضوعات و مباحثی چون انسان، تفرد، آزادی و اختیار، مسئولیت، مرگ، معنای زندگی، امید، ترس، اضطراب، درد و رنج که در فلسفه وجودگرایی مطرح بوده و از دغدغه‌های انسان امروزی محسوب می‌شوند، به رشته تحریر درآمده است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳.
- نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، موسسه دارالهجره، قم، بی‌تا.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبئه الله، شرح نهج‌البلاغه، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی، ۱۳۴۱.
- ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، شرکت دارالأرقم بن ابی الأرقم، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
- ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج‌البلاغه، دفتر نشر الکتاب، ۱۳۶۲.
- اسعدی، محمد و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- ایازی، محمدعلی، قرآن و تفسیر عصری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- بازرگان، مهدی، مقالات اجتماعی فنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- «سیر اندیشه دینی معاصر»، کیان، ۱۳۷۲، شماره ۱۱، صص ۲-۱۱.

- بیهقی کیدری، قطب محمد بن حسین، *حدائق الحقایق فی شرح نهج البلاغه*، قم، بنیاد نهج البلاغه - انتشارات عطارد، ۱۳۷۵.
- پاکتچی، احمد، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
- _____، خبرگزاری کتاب ایران، «کاربردی سازی مطالعات قرآنی یک ابر مسئله است»: <http://www.ibna.ir/fa/doc/report/261619> {تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۲/۱۸}.
- جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- جعفری، یعقوب، کوثر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- جمادی، سیاوش، *زمینه و زمانه پدیدارشناسی*، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، *نسیم اندیشه؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، اسراء، ۱۳۹۱.
- _____، *تفسیر موضوعی قرآن مجید؛ صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم، اسراء، ۱۳۹۳.
- _____، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۵.
- حدیثی، طاهر، *چکیده پایان‌نامه‌های علوم قرآنی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- حسینی همدانی، محمدحسین، *انوار درخشان*، تهران، کتاب‌فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- دژ آباد، حامد، *آموزه‌هایی از انسان‌شناسی و هدف خلقت در قرآن کریم*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۳.
- دریفوس، هیوبرت و رابینو پل، *میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه: حسین بشیریه، چاپ دوم، نشر نی، ۱۳۷۸.
- دهقانی فارسانی، یونس؛ طباطبایی، سید کاظم، مقاله «بررسی تحولات در فهم روایات اسلامی بر پایه مفهوم گفتمان بررسی موردی روایت «انا قتیل العبره»»، *حدیث پژوهی*، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۷-۲۴.
- _____، مقاله «نقش میثاق اجتماعی در تحول آراء تفسیری با تأکید بر آیه شریفه ۹ سوره زمر»، *بلاغ مبین*، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۶، صص ۲۷-۴۲.
- _____ و همکاران، مقاله «بحثی درباره راه نیافتن روایت أفضل الأعمال إنتظار الفرج» در گفتمان مهدویت اهل سنت»، *علوم حدیث*، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۸۸-۱۰۹.
- دیباج، سید موسی، *آراء و عقاید سید احمد فردید*، تهران: علم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- رنجبر، محمدرضا، *مثل شاخه‌های گیلاس*، نشر شهر، بی‌تا.
- _____، *بوی گل*، تهران، عترت نو، ۱۳۹۶.

- سارتر، ژان پل، *اگزستانسیالیسم و اصالت بشر*، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، مروارید، چاپ هشتم، ۱۳۶۱.
- سلیمی نوه، اصغر، مقاله «گفتمان در اندیشه فوکو»، *مجله کیهان فرهنگی*، شماره ۲۱۹، ۱۳۸۸.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، *تفسیر سورآبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
- شکوری، ابوالقاسم، *باران حکمت (مجموعه مباحث تفسیر تمثیلی استاد حجت الاسلام رنجبر)*، شبکه تخصصی قرآن تبیان <https://www.tebyan.net/QuranIndex.aspx> تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۳/۱۰.
- شوکانی، محمد بن علی، *فتح القدير*، بیروت، دارا بن کثیر، ۱۴۱۴ ق.
- صفایی حائری، علی، *روش برداشت از قرآن*، قم، لیلۃ القدر، ۱۳۸۵.
- ضمیران، محمد، *میشل فوکو: دانش و قدرت*؛ تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- طالقانی، محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- طاهرزاده، اصغر، *سلوک ذیل شخصیت امام خمینی*، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۹۱.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عنایت، حمید، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۱.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فردید، احمد، *دیدار فرهی و فتوحات آخر الزمان*، تهران، چاپ و نشر نظر، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- فیض الاسلام، علی نقی، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران، موسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام- انتشارات فقیه، ۱۳۷۹.
- فیضی، کریم، *تفسیر موضوعی نهج البلاغه*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، *مواهب علیه*، تهران، سازمان چاپ و نشر اقبال، ۱۳۶۹.
- مدرسی، محمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- مطهری، مرتضی، *نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸.
- مک کواری، جان، *فلسفه وجودی*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷.
- ملکیان، مصطفی، *در رهگذر باد و نگهبان لاله*، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۴.

- _____، *تاریخ فلسفه غرب*، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.
- منتظری، حسین علی، *درس‌هایی از نهج‌البلاغه*، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- نوالی، محمود، *فلسفه‌های آگزیستانس و آگزیستانسیالیسم تطبیقی*، دانشگاه تبریز، تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- هارلند، ریچارد، *ابر ساختگرایی: فلسفه ساختگرایی و پساساختگرایی*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- هاشمی، حسین، «بازتاب تفکر اصلاحی در تفاسیر جدید»، *پژوهش‌های قرآنی*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۸، ص ۳.
- همتی، همایون، «تأملی درباره رهیافت وجودی به دین»، *قبسات*، دوره اول، شماره دوم، صص ۱۶۱-۱۷۳.